

باربد

گاه‌نامه‌ی اینترنتی مجله‌ی موسیقی باربد

شماره‌ی اول تیرماه ۱۳۸۹ ۱۸ صفحه

نسخه‌ی پیش‌در اینترنت: نامحدود

www.barbodmagazine.com



بزم آواز

نشریه‌ی موسیقی ایران شماره‌ی اول تیرماه ۱۳۸۸
مدیر مسئول و طراح گرافیک: گل آرا توکلیان
نقل و انتشار مطالب نشریه‌ی باربد با اجازه‌ی کتبی امکان پذیر است
برای تبلیغات در نشریه‌ی باربد با ۰۹۳۵۳۷۶۸۶۲۹ تماس بگیرید
www.Barbadmagazine.com
barbadmagazine@gmail.com

فهرست

- تاریخچه‌ی صفحه‌ی ۱۸
تبلیغات صفحه‌ی ۱۷
عکس: صفحه‌ی ۱۵
رپ: گفتگو با یاسر بختیاری (پاس) صفحه‌ی ۱۳
عکس: صفحه‌ی ۱۱
سنتی: گفتگو با فرید غریب نژاد صفحه‌ی ۷
راک: گفتگو با بابک ریاحی پور صفحه‌ی ۵
مقدمه‌ی سردبیر صفحه‌ی ۳

مقدمه

ما هر لحظه با انواع صداها محاصره می‌شویم. خوب بد... زشت زیبا. این رو خودمون تشخیص می‌دیم. مثلاً صدای کسی رو بشنویم که ازش بدمون میاد.. صدای جیرجیر تخت یا شب وقتی داریم تو خونمون راه می‌رییم یهو صدای شکستن بیاد و با ناراحتی می‌گیم بازم کلیپسم و شکوندم. یا صدای پارک کردن یا خاموش شدن ماشین و میشنوی و تند تند وسیله هارو جمع می‌کنی چون باز براتون مهمون سر زده اومده. می‌بینید... از صدای واق واق کردن سگ همسایتون یا ناله‌ی گربه‌های تو کوچه نمی‌تونید بخوابید... شمال میرین و می‌گین به به عجب هوایی جون می‌ده واسه چرت زدن. اما این بار نه فقط صدای قورباغه‌ها احاطه تون کردن بلکه باباتون با خروپف هاش بیشتر از اون گربه‌ای که داره رو سقف راه میره رو نروتون پیاده روی می‌کنه

البته نباید همیشه به بدها نگاه کرد، می‌دونید... شما عاشق زنگ موبایلتون هستین؟ یا صدای ویبره؟

می‌دونم اینقدر دوس دارید کسی بهتون زنگ بزنه که خیلی موقع‌ها توهم می‌زنید که موبایلتون زنگ خورده

عاشق این هستید که بچتون حرف بزنه و اولین چیزی که می‌گه بابا باشه... آره خوب قشنگه اما یادتون نره به خورده که بزرگ تر شد ساعت ۲ صبح میاد بالا سرتونو پشت سر هم می‌گه: بابا بازی بابا بازی ... بابا بازی

همه‌ی این حرفا رو زدم که برسید به اولین جمله ام. بله ما محاصره می‌شویم و تو این شلوغی شهرها و این همه آلودگی صوتی، خیلی بده که نتونی آهنگ مورد علاقه‌ای داشته باشی. فقط به خاطر این که یخوای به چیزی گوش کنی یا صدای دعوای راننده‌ها با اون همه الفاظ رکبکو نشنوی ظبطو روشن کردی... اون آهنگم نه فقط حالتو بدتر می‌کنه بلکه باعث می‌شه روز بدی داشته باشی

راستشو بخواین ماها سلیقه مون به خورده افت کرده... به نگاهی به



ماشینا بندازید... منظورم اینه که به آهنگایی که گوش میدن توجه کنید اون وقت متوجه می شوید چی می گم

یادمه یه جایی خوندم موسیقی سلیقه ایه . ما نباید تو سلیقه ی مردم دخالت کنیم و اون هارو مجبور کنیم حتما اون آهنگی که ما دلمون می خواد رو گوش کنند ... هر کی هر چیزی دوست داشته باشه می تونه گوش کنه ... کلا وارد هنر که می شیم نمی تونیم برای چیزی مرز دقیقی قرار بدیم چون یکی از عنصر های مهم هنر خلاقیتشه و با مرز گذاشتن براش تو حق متمایز بودن رو ازش می گیری. اما چیزی که هست اینه که تو یه حدودی باید قدم گذاشت و باید بدونی چکاری داری انجام می دی

موسیقی دیگر آن موسیقی ثابت شده ی قبل نیست. پیشرفت صنعت ، دانش و ارتباطات در رشد و تغییر شیوه های قدیمی بسیار موثر بوده و این مهم نه فقط بر روی سازو لوازم آن بلکه بر روی نوازنده و خواننده هم تاثیر داشته

سعی شده تو این مجله خواننده بتونه بین متن نوشته و موضوع مطلب با طراحی و شکل ظاهری مجله ارتباط بر قرار کنه همان طور که ما باید با آهنگی که گوش می دیم ارتباط بر قرار کنیم باید مجله و مطلب و فضای اون رو هم دوست داشته باشیم. چون ما نه فقط الودگی صوتی داریم بلکه این روزا تصویریش ام به بازار اومده

تبادل هنر و فرهنگ چه خوب چه بد همیشه موجی رو همراه خودش میاره. ما می دونیم وقتی یه بچه ای متولد میشه زیبا بی چشمگیری نداره اما به مرور که بزرگ تر میشه و جا می افته از حالت شبه انسان بیرون میاد تازه ببینیم که هه آره چه خوشگله... سبک های جدید وقتی در معرض عموم قرار می گیرد هم موافق دارد و هم مخالف

این همیشه بوده و تنها مختص موسیقی نیست. بسیاری از سبک های نقاشی در ابتدا با موج شدیدی از مخالفان روبه رو می شد حتی نام بسیاری از آنها به همین قضیه بر می گردد برای مثال در سال ۱۸۷۴ گروهی از نقاشان جوان و مستقل فرانسوی مانند: مونته، رنوار، پیسارو، سیسلی ،دگا، پل سزان، گیومن و موریزو نمایشگاهی از نقاشی هایشان بر پا کردند بعد آن غوغایی بر پا شد و روزنامه نگاران به توهین و تمسخر آن ها پرداختند حتی یکی از آنها به هجو تابلو ی ادوارد مونته به نام امپرسیون (کلمه ای فرانسوی به معنی طلوع آفتاب) را ،عنوانی طعنه آمیز برای آنها به نام "امپر سیونیست ها " قرار داد! اما امپر سیونیست ها نخستین جنبش هنر مدرن محسوب شد و همه جنبش های هنری بعد در ادامه ی آن یا در واکنش به آن صورت گرفت و امروزه می بینیم که انواع بسیار بسیار زیادی از سبک های مختلف در زمینه های مختلف هنری داریم. این اتفاقات همیشه و همیشه افتاده و می افتد و شامل حال موسیقی هم می شود.در ایران موافقان و مخالفان تنها محدود به مردم نمی شود بلکه ارشاد نقش مهمی را برای مخالفت با موسیقی آن هم از نوع زیر زمینی اش دارد

موسیقی زیر زمینی در ایران یعنی موسیقی ای که ارشاد به آن مجوز نمی دهد اما به طور کلی یعنی جهت مخالف بازار موسیقی حرکت کردن

آهنگ خوب گوش دادن مثل لباس خوب پوشیدن. شما یه لباس زشت ببوش بین مردم چطور نگاهت می کنن. بعد بیا یه آهنگ بد بخون بین چه چیزایی بهت می گویند

می دونم خیلی از شما خواننده های مجله دوست دارید بدونید چرا اسم این مجله باربد هستش باید بهتون بگم که من افتخار می کنم که اسم مجله ام باربد ه. باربد یکی از بزرگ ترین موسیقی دان های ایرانی در دوره ی ساسانی هستش. باربد بریط می نواخته و گفته شده که آهنگ ساز بسیار خوبی هم بوده. خسرو پرویز پادشاه ساسانی به باربد دستور داده بود که برای هر روز وقایع اون روز رو در قالب آهنگ برایش اجرا کند

امید وارم شما بتونین با این مجله دوست بشید و بتونین از ورق زدن و خونندنش احساس خوبی بدست بیارید



که کدومشون خوبه و می مونن. از طرف دیگه سالن های برگزاری کنسرت در ایران به شدت گرون هست. خوب اجرای یک اهنگ راک خیلی سخت تر از تهیه ی اهنگ رپه؛ از نظر فنی کار راک په کار گروهیه شعر فارسی سخت تو به کار راک میشینه، تو ایران رپ و راک فعالیت زیر زمینی دارن. اما به نسبت می بینیم که پیشرفت رپ بیشتر از راکه. دلیلش غیر این هایی که گفتم، چیز های دیگه هم هست برای مثال یک اهنگ رپ را هر کجا که بخواهیم می توانیم اجرا کنیم مثلا تو اتوبوس، تو خونه... و اجباری در گروهی کار کردنش نیست، نکته ی دیگر این که با رپ میشه رقصید. در دهه ۴۰ میلادی با جاز می رقصیدن، در ۶۰ با راک و در ۷۰ به دیسکو تبدیل شد.

در گذشته رپ و راک باهم مشکل داشتند اما در دهه ی ۸۰ برای اولین بار دو گروه اروسمیت و فوریس فابو باهم اهنگی رو اجرا می کنند که تلفیق رپ و راک بود قصدشون هم ایجاد اتحاد بین این دو سبک بود. موسیقی کاملا سلیقه ای هستش، ما نمی تونیم کسی رو مجبور کنیم که حتما این اهنگ به خصوص از فلان سبک و فلان خواننده رو گوش کنه؛ نه، شنونده بر اساس روحیه و حالتی که توش قرار داره خودش انتخاب می کنه. البته چیز های دیگه هم دخیل هست اما به طور کلی موقع خواب یا تو به فضای رمانتیک اهنگ هوی گوش نمی دیم، ساده اش این میشه که روحیه اش تو اون لحظه اونو نمی طلبه.

بابک ریاحی پور مدتی است که البومی بیرون داده. این البوم که شامل ترک های راک و تلفیقی های زیباییست با خوانندگی ناصر عزیزی فضای متفاوتی را به شنونده القا می کند. این البوم آزمون و خطا نام دارد و شامل ۱۰ ترک است. همانطور که از نامش پیداست تجربیاتست که وی در طی سال های متوالی بدست آورده. ریاحی پور می گوید: خواننده اجازه داشت هر کاری انجام دهد و هر چیزی که دلش می خواهد را بخواند، با آزاد گذاشتن فرد می توان به توانایی هایش پی برد و استعداد ها را کشف کرد. بعد از اینکه کار خواننده تمام شد ما قسمت هایی که مناسب تر بود راجدا کردیم. امروز با استفاده از تکنولوژی می توان این کار را انجام داد اما ۱۰-۱۵ سال پیش مقدور نبود. امید وارم بتوانیم روز به روز بر فعالیت تر از همیشه باشیم.

ریاحی پور می گوید: خواننده
اجازه داشت هر کاری انجام
دهد و هر چیزی که دلش می
خواهد را بخواند، با آزاد
گذاشتن فرد می توان به توانایی
هایش پی برد و استعداد ها را
کشف کرد.

مقدمه

گل آرا توکلیمان

سخنانی از آسمان کردستان در عین حال ایرانی

گفتگو با فرشید غریب نژاد سرپرست گروه ۴۰ دف

کو چشون

باد

دف... یکی

زنجیر های دف

تحركشون زیاد بود که

پروازشون رو از تو کوچه می

کرده بود. قاصدک ها رقص سما می کردن و

تمرین داشتن. حالا دیگه قدرت دف نواز هارو به چشم می دیدم...

این متن قسمتی از حضور نویسنده ی مطلب در دفتر فرشید غریب نژاد بود. فرشید غریب نژاد، مردی که حرف هایی شنیدنی دارد.

از تاریخچه ی موسیقی سنتی ایران کاملا آگاه است. مردی که با قدرت خاصی حتی بعد از مجروح شدنش

در جبهه قوی تر از قبل به جنگ پرداخت. مبارزه ی اوسالهاست شقایق را زنده نگه داشته تا زندگی کند.

او دست از هنر ورزیدن نمی کشد. فارغ التحصیل رشته ی نقاشی است. از نوجوانی به نقاشی و موسیقی توجه داشت.

می گوید: هیچ وقت به فکر شهرت نبودم. از دوران نوجوانی ام با موسیقی دست دوستی داده بودم.

در دبیرستان ریتم های خانقایی را اجرا می کردم. با این وجود آن زمان در سن جوانی علاقه به موسیقی های

پاپ، جاز و درام داشتم. دوران ۱۸-۲۰ سالگی این نوع موسیقی را می طلبد و این علاقه بس زود گذر بود.

در سال های ۴۵-۵۰ موسیقی سنتی حضور داشت، اما به سبب عدم اشاعه و کمبود توجه، زیاد رواج

نداشت و بیشتر جاز محبوبیت کسب می کرد. ساز هایی مانند ترام پد، ساکسیفون... بیشتر استفاده می شد.

در اوایل دهه ی ۴۰ میرزا آقا غوسی و خلیفه کریم آهنگ باز هوای وطنم آرزوست را در خانقاها سروده و با دف

نواختند. این کاراثر استاد خلیفه صمد(سمه)، پدر بزرگ آقای عندلیبی است که در ریتم شش چهارم دف رو اجرا کردند.

دف بیشتر در مجالس عرفانی به کار برده می شد. همچنین در جشنواره ی جشن هنر شیراز در سال ۵۶ استاد

شجریان و محمد رضا لطفی پور اجرایی داشتند که آقای بیژن کامکار برای اولین بار دف رو آنجا به کار می برند.

در این سال ها آقایان گل ریز و رشید وطن دوست نیز در موسیقی سنتی فعالیت داشتند.

انقلاب می شود و برای مدتی موسیقی کم فعالیت میگردد تا این که در سال ۶۲ استاد شهرام ناظری در آلبوم "گل صد برگ"

اثر استاد ذوالفنون از دف استفاه می کند آن هم با اجرای استاد کامکار و دف در جامعه ی فارس

اشاعه می شود. این جا بود که دف و تنبور به عنوان ساز های عرفانی در دید عموم نطفه بست.

در سالهای ۶۲-۶۵ نیز اجازه تدریس کار بنده در زمینه ی موسیقی از طرف استادم نیز صادر شد. در سال ۷۰-۷۱ با

انتشار آلبوم "هی گل" جلیل عندلیبی با صدای بهروز توکلی که یکی از پر فروش ترین آلبوم آن زمان بود، دف بر ملودی حاکم می شود.

تو

بودم

میومد. صدای

دوتا نبود. رقص

جلوی چشمم اومد؛ اینقدر

نمی تونستم بشمرمشون. صدای

شنیدم. باد خاک رو به رقص در هوا دعوت

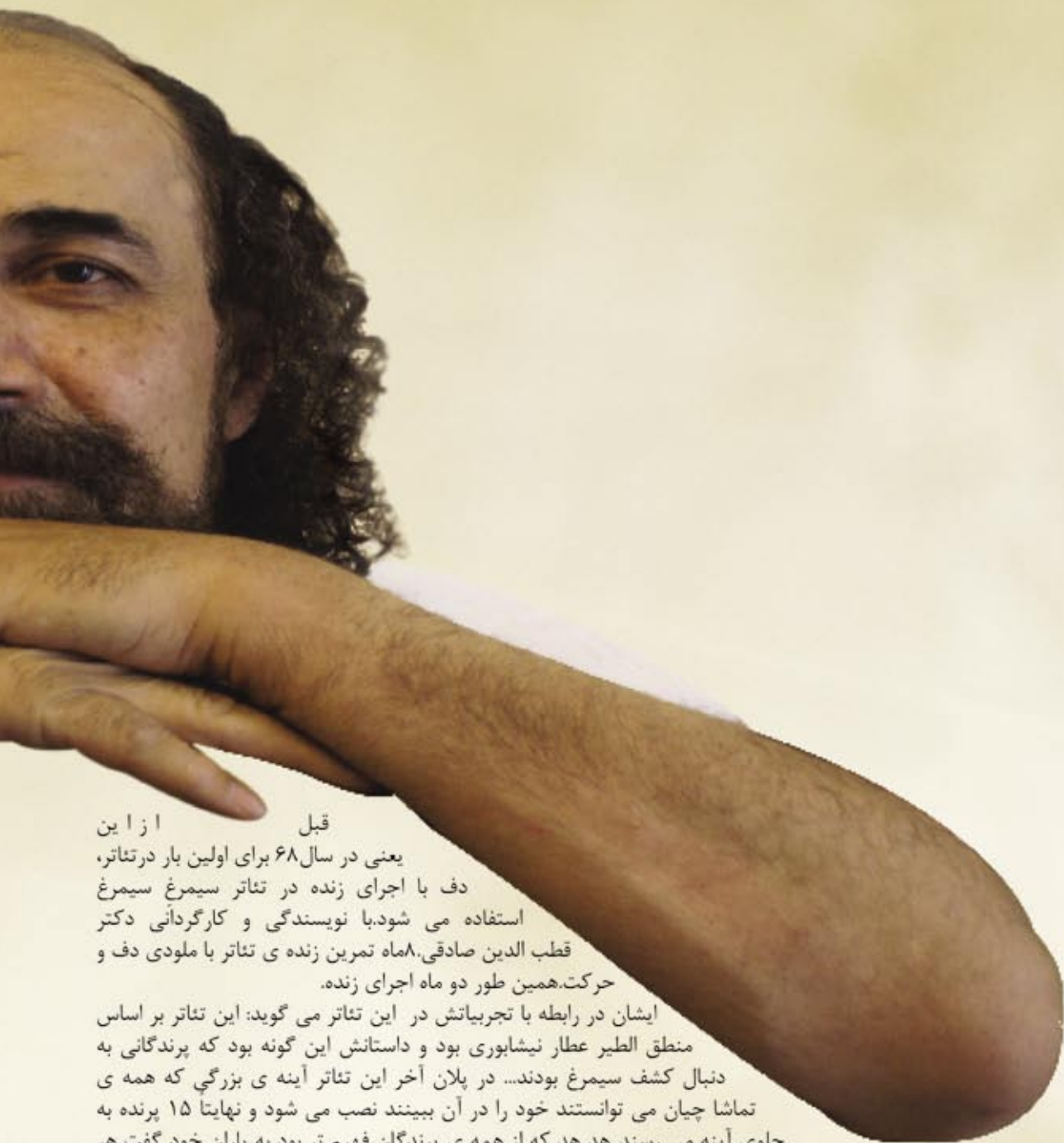
من توی کوچه به شمع اومده بودم... وقت آشنایی بود. رفتم بالا...





در هنگام آموزش دف به هنر جویانه
تصنیف سرایی را بهترین آموزش می
داند چون هم در این گونه به ارتباط
آواز و ساز پی می برد همین
طور استعداد آواز را
تصنیف سرایی شکوفا می
دهد





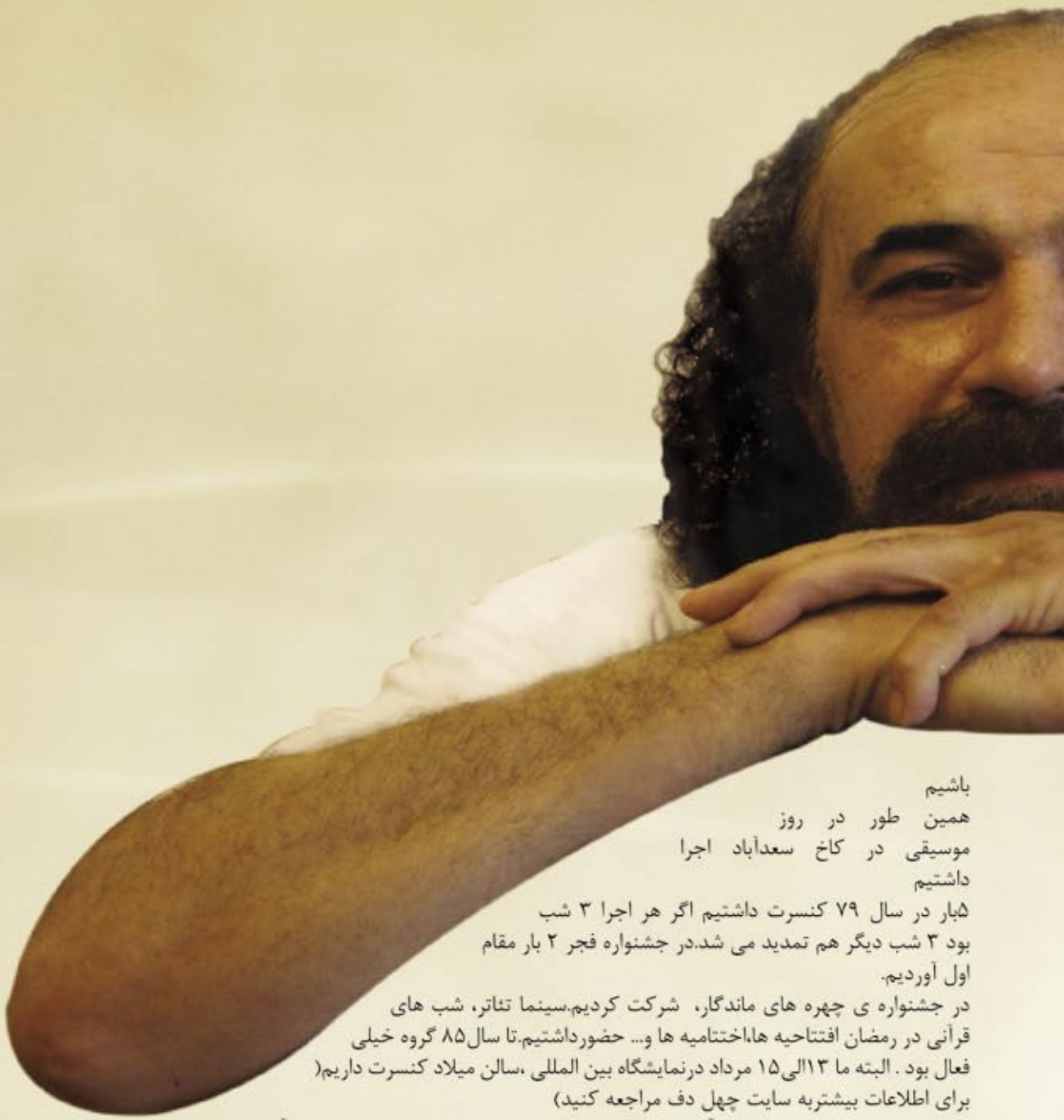
از این قبل یعنی در سال ۶۸ برای اولین بار در تئاتر، دف با اجرای زنده در تئاتر سیمرغ استفاده می شود. با نویسندگی و کارگردانی دکتر قطب الدین صادقی، ۸ ماه تمرین زنده ی تئاتر با ملودی دف و حرکت. همین طور دو ماه اجرای زنده.

ایشان در رابطه با تجربیاتش در این تئاتر می گوید: این تئاتر بر اساس منطق الطیر عطار نیشابوری بود و داستانش این گونه بود که پرنده گانی به دنبال کشف سیمرغ بودند... در پلان آخر این تئاتر آینه ی بزرگی که همه ی تماشا چیان می توانستند خود را در آن ببینند نصب می شود و نهایتاً ۱۵ پرنده به جلوی آینه می رسند... هد هد که از همه ی پرنده گان فهمیم تر بود به باران خود گفت هر کدام از شما سیمرغ هستید و آن لحظه نیز من این حس را داشتم که بله تک تک ما سیمرغ

هستیم

تا قبل اون بنده در گروه های موسیقی حضور فعال داشتم و حدوداً ۲۰ گروه رو تجربه کردم و حضور من در این گروه ها ۱ الی ۲ سال ادامه داشت. گروه "چهل دف" تجربه ای سالیان سال فعالیتیم بود. جرقه ی اصلی چهل دف از جایی زده شد که سمینار بزرگی رو در سال ۷۸ بر گزار کردند و از من دعوت شد. موسیقی اون سمینار رو بر عهده بگیرم. همین باعث شد که من به عقب برگردم و از تجربیاتم استفاده کنم. بعد من انواع ساز های محلی از جمله: سنج چوبک دمام کاسوره تمپو دهل تنبک طبل نقاره تاس و... به خدمت گرفتم. در همان سال شبکه ی برون مرزی جام جم ۱ و ۲ افتتاح شد و از گروه ما دعوت شد که اون جا اجرا داشته





باشیم

همین طور در روز
موسیقی در کاخ سعدآباد اجرا

داشتیم

۵بار در سال ۷۹ کنسرت داشتیم اگر هر اجرا ۳ شب
بود ۳ شب دیگر هم تمدید می شد. در جشنواره فجر ۲ بار مقام
اول آوردیم.

در جشنواره ی چهره های ماندگار، شرکت کردیم. سینما تئاتر، شب های
قرآنی در رمضان افتتاحیه ها، اختتامیه ها و... حضور داشتیم. تا سال ۸۵ گروه خیلی
فعال بود. البته ما ۱۳الی ۱۵ مرداد در نمایشگاه بین المللی، سالن میلاد کنسرت داریم)
برای اطلاعات بیشتر به سایت چهل دف مراجعه کنید)

پارسال خوانندگی چهل دف رو آقایان بهروز توکلی و نجفیان بر عهده داشتند امسال آقای
مختاباد در کنار ما حضور دارند.

فرشید غریب نژاد علاقه ی بسیار زیادی به آموزش دادن دارد این روزها کم پیدا می شود کسانی
که عاشق آموزش دادن باشند. ایشان در این مورد می گوید: در هنگام آموزش دف به هنر جویانم آواز
خواندن و تصنیف سرایی را یاد می دهم.

تا بتوانند بهتر موسیقی را درک کنند و ارتباطشان را متوجه شود. هنر جو می تواند به استعدادش نه فقط در
ساز بلکه در آواز هم پی ببرد.

بله ... در ایران ما مغزهای بسیار زیادی داریم که در نهان و پیدا فعالیت دارند. بله، آن ها نهفته اند آن ها تنها به
فکر شهرت نیستند بلکه ترویج و گسترش هنر و هنر مند در ایران برایشان بسیار با اهمیت است. باشد که در زمان
حضورشان قدرشان را بدانیم...

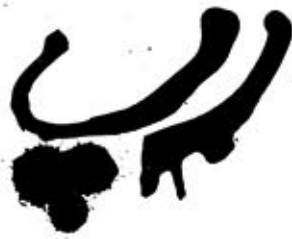




smith

Photogenic





آره ما می تونیم

گفتگو با یاسر بختیاری خواننده رپ

گل آرا توکلیان

همیشه

چهره ی مثبتی

از اون در دید مردم هست. یاسر در نگاه ها باقی نمانده بلکه امروز می توان به جرات گفت او تصویری از خود در ذهن شنونده خلق کرده که بیشتر از یک نگاه ارزش دارد. او تو را وادار به تعمق در دیدن می کند و ذهن تو را با ورد و سخنانی که از عمق یک وجدان پاک بر می آید با روحیه ی پاستلی و بی روح امروز ما به جنگ می فرستد و می توان گفت که پیروزی چشم گیری را به ارمغان می آورد همان طور که از همان ابتدای حضورش سیلی از زباله را در سطح کشور پدید آورد زباله هایی به نام سی دی های شکسته! البته یاسر قبل از آهنگ سی دی رو بشکن فعالیت داشت ولی ما موفق به کشف وی نشده بودیم. به نقل سخنش در یکی از آهنگ هایش باید بگویم: بالاخره از یک جا باید شروع کرد ... شروع آشنایی خیلی از ماها با او، با قربانی یک بازیگر، پدر، خیانت بستگان، یک انسان بی کار، ایران، افراد کشته شده در زلزله ی بم، یک خود فروش، خود کشی یک انسان، درد خیانت عاطفی، نوزاد ناخواسته و... آغاز شد و قیمتی بس گزاف دارد با این وجود او با من در مورد کسانی حرف می زند که از حضورش راضی نیستند. یاسر می گوید: از حضور کسانی که به اصطلاح به من دشمن میگویند ناراحت نیستم. همه با هم فعالیت می کنیم. هر کسی که لیاقت دارد و می تواند پیشرفت کند، بکند. من خواهان پیشرفت هر ایرانی و در نهایت ایران هستم. او با اشاره به اینکه افراد صاحب نظر سبک

بختیاری

رپ را به روزنامه خوانی و حرف زدن تشبیه کرده اند، در مورد یکی از فرق های رپ و پاپ می گوید: در سبک پاپ حدود ۳-۴ بیت را در یک آهنگ جای می دهند. اما در یک آهنگ رپ می توان ۳۰ بیت را هم جای داد. یاسر در ادامه می گوید: من برای پاپ خواندن صدای بدی نداشتم. اما ترجیح دادم رپ از شاخه ی اجتماعی را سبک خود قرار دهم؛ چون سختی هایی که کشیدم باعث شد چیز های زیادی را ببینم و تجربه کنم و این احساس در من به وجود آمد که خود را مسئول بدانم که خوبی ها و کار های اخلاقی را به مردم یاد آور شوم. در بعضی از مواقع، تجربیاتم و حوادث تلخ زندگیم را به آهنگ می کشم با این حال در انتهای هر آهنگ از امید به بهتر شدن و ساخت و ساز تک تک خودمان و به طبع وطنمان، ایران سخن می گویم. همچنین می افزاید: من به پاپ و راک علاقه دارم و از شنیدن آهنگ های این سبک ها لذت می برم اما دلیل انتخاب سبک رپ این بود که در پاپ و راک تمرکز شنونده بیشتر بر روی صدای خواننده است و زیاد به متن آهنگ توجهی ندارد. اما در هیپ-هاپ تمرکز و دقت شنونده بر روی تکست (متن) هستش. من حرفهای زیادی برای گفتن دارم ... و اینکه دوست داشتم زندگیم و سختی های زیادی که در زندگی کشیدم را به صورت داستان وار که در خور سبک هیپ هاپ هستش بیان کنم

به قول نویسنده ی بزرگ عنصر المعالی کیکاووس: و بدان که از همه ی هنر ها بهترین هنر سخن گفتن است! یاسر از این هنر بهره مند است و سعی در استفاده ی درست از آن را دارد. یاسر می گوید: متأسفانه ما ایرانی ها یک خصیصه ی بدی داریم آن هم این است که هیچ اشتباه و ضعفی را به گردن نمی گیریم؛ من می گویم ما ایرانی ها چنین مشکلی داریم چرا که این فقط به ایرانیان داخل کشور محدود نمی شود بلکه ایرانیان خارج از کشور نیز گرفتار این ویروس هستند. من به اندازه حقی که وطنم به من داده و قدرتی که در قلم و صدایم که هر دو از قلبم نشئات می گیرد سعی در اصلاح این گونه مسائل دارم. یاسر بار ها تاکید میکند که خانواده اش چقدر برایش عزیز است. این روز ها که دیگر کسی به هویت خانواده و چارچوب مهرو محبت آن پای بند نیست یاسر سخت در تلاش است که حفظش کند یاسر در آهنگش به خود لقب پسر ایران را اختصاص داده وقتی در این باره از او می پرسم، می گوید: به خاطر علاقه و نزدیکی ای که بین خود و ایران حس می کنم و این احساس وطن پرستیم من این لقب را برای خودم انتخاب کردم یاسر از اشعارش می گوید که از حوادث واقعی نشئات گرفته از یاسر در مورد آهنگ پیاده می شم می پرسم و او خاطره ای را تعریف



می

کند: یک روز که

تو اتوبوس نشسته بودم و داشتم آهنگ گوش می کردم به خیابونا خیره شده بودم بهو دختری رو دیدم که در پس آرایش غلیظش چشم های خیلی معصومی داشت. کنار خیابون آروم و قرار نداشت. بالا پایین می رفت، دورو برش رو نگاه می کرد، خیلی اضطراب داشت. یه زانتیا جلوش وایساد ۲ نفر تو ماشین بودن یکم باهاشون حرف زد و موقع سوار شدن ناگهان سرشو بالا برد آسمونو نگاه کرد... سوار ماشین شد و رفت. نگاه اون دختر... من اون لحظه فقط آرزو کردم پیاده شه یاسر می گوید: فیلمی درباره ی زندگی توپاک و دوستان صمیمی اش ساخته شده که آهنگ هایش در آن فیلم پخش می شود. همین طور یاس در فیلمی به نام "راک آن" حضور دارد. این فیلم در مورد راک زیر زمینی هستش و بعضی از راک بند ها در مورد رپ بدگویی کردن او می گوید: من با توجه به زیرزمینی بودن رپ و راک در ایران به دلایل پیشرفت رپ نسبت به راک اشاره می کنم و می گویم ما نباید با هم مشکل داشته باشیم. یاسر در ادامه ی حرف هایش مسئله ی مهمی را عنوان می کند: در جایی مطرح شد که من در کار های قدیمی ام در مورد مسایل خیلی مهم و قابل رویت حرف می زدم در صورتی که الان به مسایل سطحی تر توجه می کنم، در جواب این حرف باید بگویم که یاس قبلا از بالا به این جامعه نگاه می کرد اما الان من داستان های اجتماع رو تقسیم کردم و دارم از دونه دونه مشکلات

جامعه

حرف می زنم. اونم تو

۳-۴ دقیقه که همه ی جزئیات رو هم بیان می کنم! خیلی ها دوست دارن من همون یاس قدیمی که تو مشکلاتش غرق بود، باشم. اما می خوام بهشون بگم ما انسانیم و به ادامه ی زندگی امید داریم و روز به روز برای بهتر شدن و پیشرفت تلاش می کنیم. ما نباید از پیشرفت خودمون خجالت زده باشیم و اون رو پنهان کنیم. چرا؟ واقعا چرا ما خیلی موقع ها از کار خوبی که انجام دادیم خجالت زده ایم و می خوایم هنوز خودمونو همون آدم قبلی که ضعف های زیادی داشت نشون بدیم. نکته ی بعدی که دلم می خواد ازش بگم اینه که چرا بچه های ما تو رپ پیشرفت نمی کنن و هنوز ۱۲-۱۰ نفر که از اول بودن مطرح اند و همون جا موندن فقط تعداد انگشت شماری بالا اومدن. می خوام بگم که بچه ها مثلا میان در مورد درد می خونن و میگن این خونه، خونه ی درده، سخته، من درد و غم دارم. اما بچه ها میان از این که چرا درد دارن چرا این خونه خونه ی درده رو بگن. اونا راه حلی رو بیان نمی کنن. اصلا از خونه ای که ازش حرف میزنن حتی درش رو نمی کوبن، در رو باز نمی کنن که ببینن پشت اون در چه و بخوان با مشکلات در گیر بشن و باهاش مبارزه کنن. اینه که تو رپ پیشرفت چشم گیری نداریم نکته ای که یاس را از بقیه متمایز کرده

قدرت

درک او از هر لحاظ است.

در زمانی که ما در خودمان گم شده ایم و بقیه را فراموش کرده ایم کسی پیدا شده که برای ما می خواند. با وجود شرایط نا به سامان اقتصادی و سیاسی حاضر یاس آهنگی را برای فروش به بازار عرضه نمی کند و آهنگ هایش از طریق اینترنت ویا دست به دست در بین مردم پخش می شود. او نمی تواند در میهن خود کنسرت داشته باشد یعنی هیچ رپری در ایران نمی تواند از این سهم برخوردار شود. با این همه محبتی که یاس به هم وطنان خود دارد واقعا ما چقدر به او محبت می کنیم؟! چقدر جواب محبت هایش را می دهیم... شعر هایش را می دزدیم آهنگ هایش را ... حتی صدایش را تقلید می کنیم و به نام او آهنگ را پخش می کنیم و نام خود را هنر مند گذاشته ایم. در این جا من به عنوان نویسنده ی این مطلب باید یاد آور شوم که هنر وقتی در فرهنگی جای دارد که آن تمدن غنی و ثروتمند باشد. هنرمند کسی نیست که کار خاصی با موهایش کند یا لباس خاصی بپوشد بلکه هنر در درجه ی اول پاک سرشتی و فضل است ما ایرانیان برای بازگشت به دوران طلایی و رنسانسمان احتیاج به تغییر درست در فرهنگمان داریم پس بیاید از همین حالا شروع کنیم ویاد بگیریم که جعل و تقلید، مناسب هیچ روحیه ی انسانی نیست به امید روزی بهتر

The image shows a collage of newspaper advertisements. A red circle highlights a central ad with the following text:

تعدادی بازار یاب حرفه ای
موتور سوار جهت
بخش ... از مندیم

اما بچه ها میان از این که چرا درد دارن بگن اونا راه حلی رو بیان نمی کنن

۲۲ بازار یاب
آقا حرفه ای
باپور سانت. حقوق ثابت
بر پیامک کنید

Other visible ads include:

- بازار یاب** (مطبوعاتی)
- دادی بازار یاب** (توگرافی و چاپ در یک هتبر نیاز مندیم ۸۸۵۳۰۱)
- پژار زعفران** (۸۸۵۳۰۱)
- تکنسپ** (حداقل)
- اپتوم** (جهت ۵ ۹)





کتاب و کتابخانه



تبلیغات

برای تبلیغات با ۰۹۳۵۳۷۶۸۶۲۹ تماس بگیرید



آکار